



شرح غزلی از ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل

نامزد پوهنبار ذکرالله ذکی

دپارتمنت فارسی دری، پوهنځی ادبیات و علوم بشری، پوهنتون بدخشان

zekrullahzaki75@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0004-9824-6996>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

پوهندوی نیازمحمد ذاکری

دپارتمنت فارسی دری، پوهنځی ادبیات و علوم بشری، پوهنتون بدخشان

Niazzakiry@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0000-4363-4423>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

بیدل، شاعر و عارف بزرگ، با آراستگی به صفات انسان کامل، شعرش را به ابزاری برای صیقل دادن دل‌ها تبدیل کرده است. درک عمیق شعر بیدل مستلزم آشنایی با القبای زبان و سبک هندی اوست. این مقاله به بررسی ابعاد مختلف شعر بیدل، از جمله تفسیرهای عرفانی و فلسفی آن، می‌پردازد و هدف آن تحلیل و شرح غزل (شماره ۱۵۵۳، کلیات بیدل براساس نسخه مصصح خال محمد خسته و استاد خلیلی) و ارائه دیدگاه‌های مختلف در مورد اوست. روش کار این تحقیق تحلیلی - توصیفی است که با مراجعه به منابع مختلف و تحلیل ابیات، به بررسی اندیشه‌های بیدل با توجه به ابیات غزل می‌پردازد. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که بیدل با استفاده از تمثیل‌ها و عناصر عرفانی، مفاهیم عمیق انسانی را به تصویر می‌کشد و بر اهمیت رهایی از تعلقات و تکبر تأکید دارد. در نهایت، این مقاله به اهمیت عزلت و خاموشی در سلوک عرفانی و نقش آن در نزدیکی به حقیقت و پروردگار اشاره می‌کند و تلاش می‌نماید تا آموزه‌های بیدل را در زندگی امروزی مورد توجه قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: بیدل، تعلق، تکبر، تمثیل، خاموشی و عرفان.

An Exegesis of a Ghazal by Abul-Ma'ani Mirza Abdul-Qadir Bidel

Author **Zekrullah Zaki***
 Department of Farsi Dari, Faculty of Language and Literature, Badakhshan
 University.
 Email zekrullahzaki75@gmail.com
 Orcid <https://orcid.org/0009-0004-9824-6996>

Author **Niaz Mohammad Zakiry**
 Department of Farsi Dari, Faculty of Language and Literature, Badakhshan
 University.
 Email niazzakiry@gmail.com
 Orcid <https://orcid.org/0009-0000-4363-4423>

Abstract

Bidel, the great poet and mystic, through embodying the traits of the *Perfect Human*, transformed his poetry into a means of purifying hearts. A profound understanding of Bidel's poetry requires familiarity with the alphabet of his language and the Indian style (*sabk-e Hendi*). This article explores various dimensions of Bidel's poetry, including its mystical and philosophical interpretations, with a particular focus on the analysis and commentary of Ghazal No. 1553 from *Kulliyāt-e Bidel*, based on the critical edition by Khāl Mohammad Khasta and Ustād Khalili. The research adopts a descriptive-analytical method, using a range of sources to interpret Bidel's thoughts as reflected in the selected verses. The findings reveal that Bidel, through the use of allegories and mystical elements, expresses profound human concepts and emphasizes detachment from material attachments and pride. Ultimately, the article highlights the significance of solitude and silence in the mystical path as a means of drawing closer to Truth and the Divine, and attempts to reflect on Bidel's teachings within the context of contemporary life.

Keywords: Bidel, Detachment, Pride, Allegory, Silence, Mysticism.

* Corresponding: zekrullahzaki75@gmail.com

مقدمه

ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل، شاعر و عارف بزرگ سبک هندی، با آثاری عمیق و پیچیده، به بررسی مفاهیم انسانی و عرفانی پرداخته است. شعر بیدل نه تنها دل‌ها را صیقل می‌دهد، بلکه به خواننده این امکان را می‌دهد تا با تفکر و تأمل در معانی عمیق آن، به حقیقت وجودی خود نزدیک‌تر شود. در این غزل بیدل، موضوعاتی چون رهایی از تعلقات، اهمیت خاموشی، و چالش‌های ناشی از تکبر را به تصویر کشیده است. این مقاله به تحلیل ابیات غزل بیدل می‌پردازد و با استفاده از تمثیل‌های عمیق، به بررسی مفاهیم عرفانی و انسانی در شعر و اندیشه‌ی وی می‌پردازد. در این راستا، به نقش عزلت و شوق در سلوک عرفانی، و تأثیر آن بر ارتباط با حقیقت و پروردگار نیز توجه خواهد شد. هدف این تحلیل، روشن ساختن آموزه‌های بیدل و تأثیر آن‌ها بر زندگی امروزی است، تا از طریق درک عمیق‌تر این اشعار، خوانندگان بتوانند به شناخت بهتری از خود و جهان پیرامون‌شان دست یابند.

تبیین مسأله

مسأله تحقیق حاضر، بررسی عمیق و جامع ابعاد مختلف شعر بیدل، به ویژه در زمینه‌های عرفانی و فلسفی آن است. بیدل، به عنوان یکی از شاعران برجسته سبک هندی، با آثارش مفاهیم پیچیده‌ای را در مورد انسانیت، تعلقات و سلوک عرفانی به تصویر کشیده است. این تحقیق به دنبال پاسخ به این پرسش‌هاست: چگونه شعر بیدل می‌تواند به درک عمیق‌تری از حقیقت وجودی انسان کمک کند؟ چه پیشنهادهایی در رهایی از تعلقات و تکبر در اشعار او مطرح شده است؟ نقش خاموشی و عزلت چگونه در آثار بیدل به ویژه در این غزل تجلی یافته است؟

این مسأله نه تنها به بررسی مفاهیم موجود در شعر بیدل می‌پردازد، بلکه به تحلیل روش‌های ادبی و تمثیل‌های به کار رفته در شعر او نیز توجه دارد. با توجه به پیچیدگی‌های زبان و سبک هندی بیدل، این تحقیق همچنین به نیاز به آشنایی با الفبای زبانی و فرهنگی او اشاره دارد. به سخن دیگر، پژوهشی کنونی در صدد روشن ساختن آموزه‌های بیدل و تأثیر آن‌ها بر زندگی و تفکر امروزی است، تا بتوان از طریق درک عمیق‌تر این اشعار، به شناخت بهتری از خود و جهان پیرامون دست یافت.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی: چه مفاهیم عرفانی و انسانی در اشعار بیدل به خصوص در این غزل او وجود دارد و چگونه به تصویر کشیده شده‌اند؟

پرسش‌های فرعی

۱. نقش تعلقات و رهایی از آن‌ها در شعر بیدل چگونه تبیین شده است؟

۲. چگونه خاموشی و عزلت به عنوان ابزارهای سلوک عرفانی در غزل‌های بیدل مطرح می‌شوند؟

۳. تمثیل‌ها و نمادهای به کار رفته در اشعار بیدل چه تأثیری بر درک مفاهیم عمیق انسانی دارند؟
۴. بیدل چگونه به چالش‌های ناشی از تکبر و خودخواهی در اشعارش پرداخته است؟
۵. آیا می‌توان آموزه‌های بیدل را در زندگی معاصر به کار گرفت؟

اهمیت تحقیق

تحقیق حاضر فهم عمیق‌تری از شعر بیدل و مفاهیم عرفانی و انسانی آن را فراهم می‌کند. با تحلیل ابیات و تمثیل‌های او، این تحقیق به روشن‌سازی رهایی از تعلقات و تکبر، و نقش خاموشی و عزلت در سلوک عرفانی می‌پردازد. اهمیت این تحقیق در توانایی آن برای ارتباط دادن آموزه‌های بیدل با زندگی معاصر و کمک به خوانندگان در شناخت بهتر خود و جهان پیرامون‌شان است. علاوه بر این، راه‌کاری‌ست برای دانشجویان و علاقه‌مندان بیدل برای فهم و تفسیر شعر بیدل. از سوی دیگر تا کنون این غزل بیدل با این رویکرد مورد شرح و تحلیل قرار نگرفته؛ از این نگاه نیز حایز اهمیت است.

اهداف تحقیق

هدف اصلی: هدف اساسی این تحقیق، بررسی ابعاد مختلف شعر بیدل و تحلیل مفاهیم کلیدی آن است.

اهداف فرعی

۱. بازنمایی نماد‌های ادبی - عرفانی در این غزل بیدل؛
 ۲. باز نمودن راهی با رویکرد جدید برای شرح غزلیات بیدل؛
 ۳. تشخیص تکنیک‌هایی که شعر بیدل را غامض و یا بیشتر مخیل ساخته است.
- همچنین، این تحقیق به دنبال شناسایی و تبیین روش‌های ادبی او، بررسی تأثیر تمثیل‌ها بر درک مفاهیم انسانی، و ارائه راهکارهایی برای بهره‌برداری از آموزه‌های بیدل در زندگی روزمره است و به گسترش دانش و فهم بیش‌تر از ادبیات عرفانی و فلسفی بیدل کمک کند.

پیشینه‌ی تحقیق

در مورد ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل پژوهش‌های فراوان صورت گرفته و برخی از غزل‌ها و رباعی‌های او مورد شرح قرار گرفته است که ذکر همه‌ی آنها از حوصله‌ی این نبشته به دور است ولی من‌حیث نمونه می‌توان از این پژوهشگران و آثار آنها حسب ذیل نام‌برد:

- (۱) حسن حسینی در سال (۱۳۶۸) اثری زیر عنوان «بیدل، سپهری و سبک هندی» را نوشته و در آن روی سبک هندی، ویژگی‌های شعر بیدل و همسانی‌های شعر بیدل را با سپهری مقایسه و بررسی نموده است؛

۲) سیدمحمد حسینی فطرت در (۱۳۹۳) کتابی تحت نام «جهان بیدل» را به طبع رسانده و در آن زوایایی زندگی، اندیشه، جهان‌نگری دیدگاه‌های شماری از دانشمندان را راجع به بیدل مورد مذاقه و بحث قرار داده است؛

۳) سیدنورالحق کاوش در سال (۲۰۱۲) اثری زیر عنوان «انسان شناختی بیدل» را در سه مجلد به زیور طبع آراسته نمود و در آن نویسنده موضوعاتی چون: هستی‌شناختی بیدل، اندیشه و جهان‌بینی او را با توجه به مکاتب فلسفی مختلف مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده است؛

۴) مرحوم عبدالحمید اسیر مشهور به قندی آغا در (۱۳۶۹) «شرح رباعیات میرزا عبدالقادر بیدل» را نوشته و در آن به شرح و بسط رباعیات پرداخته است؛

۵) دکتر خلیل‌الله هاشمیان در سال (۲۰۱۳)، «رساله‌ای در بیدل‌شناسی با ارتباط معنای یک بیت بیدل» را نگاشته که در آن تنها به شرح و تحلیل بیت: «هیچ شکلی بی‌هیولا قابل صورت نشد / آدمی هم پیش از آن کادم شود بوزینه بود» پرداخته است؛

۶) محمد کاظم کاظمی در سال (۱۳۸۷) اثری زیر نام: «کلید در باز / رهیافت‌هایی در شعر بیدل» و «گزیده غزلیات بیدل» را نوشته که در این آثار به شرح و توضیح کوتاه گزیده‌ی از غزلیات بیدل پرداخته است.

اما قابل تذکر است که با وجود تمام تلاش‌ها و تحقیقات انجام‌شده در مورد بیدل و اشعار او، هنوز یک شرح کاملی از غزل‌های شاعر که بتواند عطش همه محققان و خوانندگان را رفع نماید؛ موجود نیست.

روش تحقیق

این تحقیق بر بنیاد روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از ابزار کتابخانه انجام شده است. یعنی منابع مختلف شامل کتاب‌ها، مقالات علمی و پژوهش‌های پیشین درباره‌ی شعر بیدل جمع‌آوری و سپس تحلیل شده، آنگاه با استفاده از این منابع، به بررسی و تحلیل مفاهیم عرفانی و انسانی در غزل مورد نظر بیدل پرداخته و شرح گردیده است. و تلاش شده تا با تحلیل و شرح ابیات، ابعاد مختلف آن به صورت توصیفی و تحلیلی روشن گردد.

مروری کوتاه بر احوال زندگی و آثار بیدل

شناسنامه‌ی شاعر مورد بحث چنین است: نامش عبدالقادر، تخلص ابتدا رمزی و بعد بیدل، و ابوالمعانی لقبش می‌باشد. این شاعر بزرگ و پر سراینده‌ی ادب فارسی در سال ۱۰۵۴ هجری در شهر عظیم‌آباد پتنه به دنیا آمد و قطعه‌ی به سال ولادت خود دارد که از آن «فیض قدس» و «انتخاب» برون شده که سال تولد وی را نشان می‌دهد. در زادگاه بیدل، شخص بزرگی به نام «شاه قاسم ترمذی»، زندگی می‌کرد، که ایشان پس از تولد بیدل دو نام تاریخی را به وی داده

است. (الظفر، ۱۳۹۸: ۸۱). در مورد زادگاه بیدل تذکره نگاران اختلاف نظر دارند که با تاسف خود بیدل در چهارعنصر به چند جای مبهم اشاره نموده که برخی ها محل تولد وی را پتنه، عظیم آبادی، و اکبر آباد گفته اند (همان: ۸۲).

پدرش تبرکاً اسم پیر طریقت خود را که «عبدالقادر جیلانی» سر سلسله‌ی طریقه‌ی قادریه بود؛ گذاشته است. بیدل در چهارسالگی پدرش را از دست داد و در شش سالگی مادرش را. او نظم و نثر فارسی دری و صرف و نحو عربی را تا ده سالگی آموخت. هوش تند و تیز و استعداد والایش روح او را به حکمت الهی روز به روز بیشتر متوجه کرد. میرزا قلندر عموی بیدل که خود از صوفیان با صفا بود، به تربیت بیدل همت گماشت، او اولین استاد معنوی بیدل محسوب می‌شود. بعد بیدل از منزل در کنار دایمی خوش ذوق اش میرزا ظریف که محل حلقه اهل ذوق و عرفانی بود از حضور فردی به نام شاه ابوالفضل که به شرح و حل مسایل فلسفی و عرفانی می‌پرداخت بهره برد (حسینی فطرت، ۱۳۹۳: ۵۵).

آثار بیدل: آثار منظوم بیدل را تا حدود ۹۲ هزار بیت گفته‌اند. آثار منظوم وی عبارت‌اند از: غزلیات که شامل قصاید، ترکیب بندها، ترجیع بندها، مخمسات، قطعات و رباعیات، طلسم حیرت، محیط اعظم، طور معرفت، عرفان، تنبیه المهوسین، اشعار و حکایات و اشعاری در وصف فیل، اسب، معشوق، شمشیر و ... معماها، هزلیات. آثار منثور بیدل شامل: چهارعنصر، رقعات، نکات، بیاض‌ها و مقدمه‌ها (حسینی فطرت، ۱۳۹۳: ۵۷-۵۸).

جاذبه‌ها و جلوه‌های ویژه بیدل: به باور استاد فطرت، ویژگی‌های سحر سخن و عالم معانی بیدل را می‌توان در چهار خصوصیت زیر برشمرد و وجوه تمایز و افتراق وی با سایر شاعران است.

۱. جهان‌بینی وسیع عرفانی - فلسفی و حضور پر رنگ افکار و دیدگاه‌های مختلف که در قالب‌های ظریف هنری ریخته شده است، آنگونه که اکثر شیفته‌گان بیدل با هر مکتب فکری و گرایشی، مطلوب خویش را در آیینی بیدل جستجو می‌کنند. بیدل عارفی است وسیع‌المنظر که در هر لحظه د رآیینی اشیاء تجلی از تجلیات محبوبش را دیده و آن تجلی و دریافت اش را در بهترین تابلوی هنری ارائه کرده است. به همین دلیل این دیدگاه‌های متفاوت و مکاتب مختلف در شعر و جهان‌بینی او انعکاس می‌یابد. به‌طور نمونه در کشورهای اسلامی تفسیرهای عرفانی و قرآنی از اندیشه‌ها و سخنان بیدل ارائه می‌شود و در مسکو و تاجکستان و سایر کشورها، اندیشه‌های این حکیم فراتر از دین و ناظر به عدالت و مباحث اجتماعی تفسیر می‌شود.

۲. قدرت مضمون سازی عجیب و بی‌مانند، خلاقیت معجزه‌آسا و نیز زبان سحرآمیز اوست که نظیرش را در میان چندتن از شاعران سرآمد بشری تا حدودی می‌توان یافت.

۳. شخص انگارانه (Personification) بودن آن است. از نگاه و زبان بیدل همه موجودات از جماد، نبات، سنگ و سرمه گرفته تا ماه و خورشید... همه جاندار و زنده اند. تمام ذرات و اجزاء جهان به زبان آمده و شروع می‌کنند به سخن گفتن و از هریک آنان چندین کار سر می‌زند. به همین دلیل بیدل از چند واحد در جاهای متفاوت تابلوها و تصاویر متعدد ارائه می‌دهد.

۴. وسعت ابعاد معرفتی اوست. به ویژه که از «صیروت» آدمی و «وحدت» هستی سخن می‌گوید در نگاه و کلام او، انسان خاکی به انسان افلاکی، انسان فردی به انسان جمعی ارتقا می‌یابد و انسان خودباخته و مقلد ذوب شده در جمع، می‌بایست به تفرد و فردیت خویش معطوف شود و خود خالق ارزش‌های خویش گردد و اصلاح را از خویش شروع نمود. انسان به عنوان موجودی که در درونش چکیده‌ی هستی را دارد و با کل وصل هست و از طرفی استعداد‌های ویژه‌ای دارد که سایر اشیاء ندارد، یک نوع وحدتی با جهان متحد پیرامونش دارد و نمی‌تواند خود را تافته جدا بافته از هستی و دیگر چیزها و کسان پندارد و رفتار و پندار او در هستی گم شده و در تعیین سرنوشت و سعادت فردی و جمعی و مادی و معنوی او نقش اساسی دارد (حسینی فطرت، ۱۳۹۳: ۵۸-۵۹).

نظریات دانشمندان در مورد بیدل: بیدل از شاعران نامدار و اسطوره ادبیات فارسی و از نوابغ معارف و معانی بوده و بزرگی وی به همه پوشیده نیست که از وی به القاب چون «شاعر آینه‌ها»، «ابوالمعانی»، «سلطان اورنگ سخن»، «طوطی هندوستان» یاد کرده اند که در ذیل نمونه‌وار چند نظر دانشمندان و بیدل‌شناسان را می‌آوریم:

(۱) استاد شفیع کدکنی در مورد بیدل گفته است: «بیدل کشوری است که بدست آوردن ویزیای مسافرتی بدان، به آسانی حاصل نمی‌شود و به هرکس اجازه ورود نمی‌دهد، ولی اگر کسی این ویزا را گرفت تقاضای اقامت دائم خواهد کرد. بیدل فرد اکمل و نمونه عالی و موفق‌ترین مظهر این گونه شعر و شاعری است» (کدکنی، ۱۳۷۱: ۹۶-۹۷).

(۲) پروفیسور نبی هادی یکی از استادان پوهنتون «علیگر هند» در مورد شخصیت بیدل در خارج از مرزهای هند چنین نگاشته است: «باید نام بیدل را در شمار شخصیت‌های زیاد اسرار آمیز تاریخ بشماریم. این گونه شخصیت‌ها در کشورهای خارجی بیش از کشور خود عزت و شهرت کسب می‌کنند. هرچند کاوش آفرینش تخیلات جدید خصیصه‌ی یکسان اندیشمندان سراسر جهان است، اما همه کس قادر نیست برای اشاعه نظر خود سرزمین جدیدی را تسخیر کند. یکی از خاورشناسان عصر ما، یان‌ریکا که تاریخ ادبیاتش شهرتی روز افزون یافته، بیدل را شاعری تاجک شمرده است. مردم تاجیکستان نه تنها بیدل را شاعر نسل و نژاد خود می‌شمارند، بلکه او را متفکر عظیم می‌دانند و معتقدند که بیدل می‌تواند پاسخ همه پرسش‌های مربوط به حیات و کاینات را

بدهد. در پوهنتون کابل به مطالعه و بررسی بیدل توجهی خاص مبذول می‌شود (هادی، ۱۳۷۶: ۱۲۶-۱۲۵).

۳) حسن حسینی در کتاب بیدل، سپهری و سبک هندی گفته است: «نام بیدل دهلوی از زمره نام‌هایی است که از هجوم مور و ملخ‌وار اسامی شعرای سیاهی لشکر سبک هندی، لطمه‌ای عظیم را متحمل شده است. بیدل را باید به مثابه قطعه‌الماسی درخشان از لابلای خروارها زغال که به مرور زمان تلنبار شده است، بیرون کشید و سر حوصله و با فراغت کامل در تراش سحرانگیز و خداداد آن محو تماشا و تأمل شد» (حسینی، ۱۳۶۸: ۸).

۴) سید محمد حسینی فطرت در کتاب جهان بیدل گفته است: «از زبان نیچه نقل شده است که می‌گفت: آخرین مسیحی همان بود که مصلوب شد. مقصودش این بود که یک مسیحی واقعی وجود داشت و آن هم خود عیسی (ع) بود. بر این اساس در حوزه بیدل شناسی هم باید گفت که یک بیدل شناس واقعی نمی‌توان یافت و آن هم خود بیدل بوده و دیگران در این حوزه عرش اگر باشند، زمین آسمان بیدل اند... سخن گفتن از بیدل خصوصاً برای نویسنده که در این عرصه جز عشق و امید، بضاعتی دیگری ندارم کاری است نه آسان، بلکه امری است فراتر از توان، چه اندیشمندانی بس بزرگ در مقابل بیدل سر سکوت، حیرت، تعظیم و عجز و عشق سودند» (حسینی فطرت، ۱۳۹۳: ۶۰).

۵) زنده یاد استاد غلام حسن مجددی که عمرش را صرف بیدل‌شناسی و تدریس آن در پوهنتون کابل کرد، درمورد اندیشه و جهان‌بینی بیدل گفته است که بخشی آن را می‌آوریم: «بیدل متفکری است متدین که راجع به الوهیت، خلقت کاینات، نظام عالم، سعادت و خیر بشر و ارزش‌های فردی و اجتماعی حیات انسانی می‌اندیشد و اظهار عقیدت می‌نماید. و متصوفی است عالی‌مقام که قلبش از عشق خداوند، محبت بشر، احساس حسن و جمال در مظاهر کاینات، مملو است. شاعریست بلندپایه و ادیبی‌ست دارای کمالات صوری و معنوی که اشعار زیبا و شهکاری‌های ادبی بی‌نظیر او، مؤید قاطعی برای این مدعاست. مصلحی است که به بشر درس انسانیت می‌دهد. دانشمند جامعی است که ممثل بسیاری از علوم و معارف زمان خود می‌باشد. از تعلیمات عالیّه اسلامی، مسالک تصوف و فلسفی، علوم ادبی و اجتماعی، مبادی هیأت، طب، علم وظایف‌الاعضا و علم‌النفس اطلاعات فراوانی دارد» (مجددی، ۱۳۹۲: ۹).

۶) پوهاند دکتر قویم یکی از بیدل‌شناسان و استاد بازنشسته‌ی کرسی بیدل‌شناسی مقطع ماستری پوهنتون کابل می‌نگارد که: «تحقیق و تفرس در باره‌ی بیدل مستلزم کار مستمر است، زیرا این شاعر بلندآزوه‌ی سبک هندی از چنان ویژگی‌های آفرینش ادبی برخوردار است که کمتر کسی از شاعران در قرن‌های یازده و دوازده هجری می‌توانست با او برابری کند. حتی اگر مبالغه پنداشته

نشود، بیدل در شعر سبک هندی شاعر بی‌بیدل بود. بیدل را مردم صوفی صاحب کرامات دانسته‌اند. در باره زندگی صوفیانه او گفته‌هایی دارند، از خلوت‌گزینی و گشت‌وگذار وی در بیابان‌ها، عده‌ای از ارادتمندانش، مقام او را به شبلی و جنید می‌رسانند. جای تردید نیست که بیدل به افکار مولانا و ابن عربی علاقه‌مند بود. در واقع بیدل یکی از ستون‌های استوار سبک هندی است و در این اسلوب خود مبتکر سبک ویژه‌ای می‌باشد که شکوه سبک هندی بر آن استوار است» (قویم، ۱۴۰۰: ۷ - ۲۱).

نتایج و یافته‌ها

اینک غزل شماره ۱۵۵۳ از کلیات بیدل که بر وزن: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل ثمن محذوف) سروده شده است به شرح و تحلیل می‌گیریم:

۱- دل چو آزاد از تعلق شد منور می‌شود قطره‌ای کز موج دامن چید گوهر می‌شود

معنی لغات: دل: دل در اصطلاح، معانی مختلفی دارد. از جمله عبارت از نفس ناطقه و محل تفصیل معانی است و به معنای مخزن اسرار حق که همان قلب باشد، نیز هست.

دل چه باشد مخزن اسرار حق خلوت جان بر سر بازار حق
دل امین بارگاه محرمی است دل اساسی کارگاه آدمی است
مولوی می‌گوید:

دل نباشد غیر آن دریای نور دل نظر گاه خدا و آنگاه کُور

دل نباشد آنچه مطلوبش گل است این سخن را روی بر صاحب دل است

کاشانی گوید: مراد از دل به زبان اشارت، آن نقطه‌ای است که دایره‌ی وجود از دور حرکت آن به وجود آمد و بدو کمال یافت و سر ازل و ابد به هم پیوست، و مبتدای نظر در وی به منتهای بصر رسید و جمال و جلال وجه باقی بر او متجلی شد، و عرض رحمن و منزل قرآن و فرقان و برزخ میان غیب و شهادت و روح و نفس و مجمع البحرین ملک و ملکوت و ناظر و منظور شد (سجادی، ۱۳۸۳: ۳۸۷-۳۸۸).

تعلق: وابستگی داشتن به چیزی یا کسی؛ دلبستگی؛ علاقه: از این همه تعلق گسستن کاری آسانی نیست (انوری، ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۷۹۱)؛ تعلق: وابسته بودن به امور مادی و دنیوی که سالک را از سیر و سلوک الی الله باز دارد (سجادی، ۱۳۸۳: ۲۴۶).

قطره: چکه، مقدار کمی آب. (فرهنگ معین)

گوهر: هرکدام از سنگ‌های قیمتی مانند الماس، زمرد و یاقوت (انوری، ۱۳۸۲، ج ۶: ۶۳۰۴).
در بیت فوق بین واژه‌های دل، آزاد و تعلق در مصرع اول و بین قطره و موج و گوهر تناسب دیده می‌شود.

ترکیب ها: دامن چیدن: (دامن برچیدن) دوری و کناره گیری کردن. کنایه از دوری کردن (انوری، ۱۳۸۳، ج ۱: ۵۵۸).

معنی روان بیت: وقتی دل از بند تعلقات دنیوی رها شود، نورانی می شود و همان گونه که قطره یا چکه‌ای از آب باران از بحر کناره می رود و به دانه قیمتی تبدیل می گردد.

تحلیل و توضیح: بیدل صاحب دل در بیت فوق راز صفا شدن و پاکی دل را در این می داند که از تعلقات و وابستگی ها خود را رها نموده و خود را از این بند باید رها کرد و آن را با تمثیل و مدعا مثل زیبایی اثبات می کند که قطره تا خود را از موج جدا نکند به گوهر/ گهر تبدیل نمی شود. در تداول عامیانه راز به وجود آمدن گوهر یا دانه های قیمتی این است که از قطرات آب باران بعضی یا یک قطره‌ی آن از موج و بحر خود را جدا می کند و در زیر سنگی خود را پنهان می کند و مدتی بعد به گوهر تبدیل می شود و این مناسبت اش را در مقطع غزل نیز با عزلت و گوشه گیری می توان اثبات ساخت.

در قرآن کریم نیز، راه های پیمودن به سوی الله بدون قطع تعلق با دیگران وعدم دلبستگی و دوست داری اموال و سرمایه ممکن نبوده و دشواری های فراوانی را باید سپری کرد. در سفر و راه های زمینی پیمودن گردنه های سخت از انسان انرژی و توان بیشتری را طلب می کند و آمادگی و توشه ی بیشتر می طلبد. در سفر به سوی خداوند (ج) و معراج های روحانی نیز پیمودن و سپری نمودن این راه ها نهایت دشوار است.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ فَكَّ رَقَبَةٍ أَوْ إِنْطَعَامٍ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ﴾ (بلد: ۱۱-۱۸).

ترجمه: «پس به گردنه‌ی سخت قدم نگذاشت و نیامد، و تو چه می دانی که گردنه‌ی سخت چیست؟ آزاد کردن برده است، یا طعام دادن در روز سختی و گرسنگی، یتیمی را از خویشاوندان، یا مستمندی خاک نشین را، آنگاه از کسانی باشد که ایمان آورده اند و یکدیگر را به صبر سفارش کرده اند و یکدیگر را به محبت و مهربانی توصیه نموده اند. اینان اهل سعادتند که نامه‌ی اعمال شان به دست راست شان داده می شوند و به بهشت می روند.» (تفسیر احسن الکلام، نرم افزار).

یعنی مقربین باید برای نزدیکی با خداوند و سعادت اخروی از مال، زندگی، ثروت و دارای خود برای رهایی دیگران از بند و غلامی مصرف کند، تا تعلقات اش را از همه چیز های متذکره قطع کند و از جمله‌ی صاحبان دست راست یا بهشتیان گردد. یعنی مقربین باید جان و تن خویش را از کم ترین و کوچکتین تعلق و وابستگی هر چه که غیر خداست، آزاد و رها کند تا نورانیت و صفایی را بدست بیاورد.

در ادبیات فارسی نیز رهایی از تعلقات را شاعران به افزونی و تکرار بیان کرده اند.
۲ - گرد هستی عقده‌ی پرواز عالی فطرتی‌ست از حجاب دود خویش این شعله اخگر می
شود

معنی لغات: هستی: وجود، دارایی، ثروت. (فرهنگ معین)

فطرت: ویژگی‌های ذاتی؛ سرشت؛ طینت (انوری، ۱۳۸۶، ج ۶: ۵۳۷۸).

حجاب: در پرده کردن؛ بازداشتن از در آمدن؛ روگیری و عفاف. (فرهنگ دهخدا)

شعله: زبانه آتش و وراغ؛ آتش افروخته؛ پاره‌ی آتشی که می‌درخشد. (فرهنگ دهخدا)

اخگر: آتش بود که چون آب زنی انگشت شود؛ انگشت سوزان و افروخته؛ خرده آتش. (فرهنگ دهخدا)

ترکیب ها: عقده‌ی پرواز: ترکیب تشبیهی یعنی پرواز (حسی است) را به رها کردن و باز کردن و
رهایی یافتن (حسی) مانند کرده است.

حجاب دود: ترکیب تشبیهی یعنی دود (حسی) به حجاب (حسی) تشبیه شده است.

معنی روان بیت: به گرد جهان رفتن و باز کردن این گره، و از بین بردن پرده‌های که مانع
شعله‌ور شدن و درخشندگی خویشن آدمی می‌شود، فطرت و سرشت عالی و ویژگی‌های ذاتی
آدمی است

تحلیل و توضیح: خداوند متعال در قرآن حیات بخش خویش بیان نموده است که: ﴿قُلْ سِيرُوا
فِي الْأَرْضِ ثُمَّ أَنْظَرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ﴾ (الانعام: ۱۱). ترجمه: «بگو در زمین
گردش کنید سپس بنگرید که سرانجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است».

گرچه آیت فوق در مورد کسانی است که به پیامبر (صلی‌الله‌علیه و سلم) تکذیب و نافرمانی
کردند و خداوند برای رسولش فرمود که بگو برای آنها که بروند و خود در مورد عاقبت و فرجام
آنها که از پیامبران‌شان و اوامر آنها سرپیچی کردند، ببینند و تفکر کنند. در آیات بی‌شماری از
کلام الهی به تفکر، سیر و رفتن، تدبر، اندیشیدن و ... امر شده است تا حقیقت برای شان واضح
شود و از حجاب خویشن بیرون بیایند.

در بیت فوق بیدل نیز پرواز و رفتن به گرد جهان و هستی را ویژگی ذاتی انسان گفته و بیان می‌کند
که تا زمانی آدمی از حجاب تن و درون خویش بیرون نیاید، شعله‌ی وجودی اخگر وی درخشنده
نمی‌شود و در حجاب تن باقی می‌ماند

۳- ای که از لطف حقیقت آگهی خاموش باش یک سخن هم کز دو لب خیزد مکرر
می‌شود

معنی لغات: حقیقت: این اصطلاح در فلسفه و عرفان و نزد اهل ذوق معانی و اطلاعات متعدد دارد. در اینجا فقط معانی و اطلاعات عرفانی آن ذکر می شود. هجویری گوید، حقیقت عبارت از آن است که نسخ بر آن روا نباشد و از عهد آدم تا فناء عالم، حکم آن متساوی باشد. چون معرفت خداوند صحت معاملت خود به خلوص نیت. و شریعت عبارت از آنچه نسخ و تبدیل بر آن روا باشد، چون احکام و اوامر. شریعت بی وجود حقیقت محال بود و اقامت حقیقت بی حفظ شریعت محال. زیرا حقیقت روح است و شریعت جسد و شریعت از مکاسب بود و حقیقت از مواهب (سجادی، ۱۳۸۳: ۳۳۳).

خاموش: خامشی، سکوت. یکی از آداب سلوک است، مولانا گوید:

خامشی بحر است و گفتن همچو جو بحر می جوید ترا جو را مجو
از اشارت های دریا ——— متاب ختم کن والله اعلم بالصواب

در آداب و سنت های اسلامی، سکوت را فواید و ثبوت بسیار است (سجادی، ۱۳۸۳: ۳۳۸).

معنی روان بیت: ای کسی که از لطف حق آگاه هستی، خاموش باش؛ زیرا وقتی یک سخن از دهان دو شخص گفته شود تکرار می گردد.

تحلیل بیت: در عرفان بحث «وحدت الوجود یا فنا فی الله شدن» یک از مقوله های اساسی و مهم به شمار می رود. در یک حدیث قدسی نیز با این مفهوم بیان شده است.

ابوهریره (رضی الله عنه) روایت می کند که رسول الله (صلی الله علیه و سلم) فرمودند: و به اندازه ی بنده ام با من نزدیک می شود که محبوب تر از آنچه است که برای آن فرض گردانیده ام، و همیشه بنده به اندازه ی با نوافل اش با من نزدیک می شود که من او را دوست می دارم، وقتی با وی دوست شوم و او را دوست می دارم، من شنوایی وی می شوم که با من می شنود و بینایی وی می شوم که با من می بیند و دستی او می شوم که با اثر دست چیزی را می گیرد و پایی وی می شوم که به اثر آن راه می رود و اگر از من چیزی را سوال کند البته حتماً برایش می دهم و اگر از چیزی به من پناه بخواهد وی را پناه می دهم.... (صحیح البخاری، شماره حدیث ۶۰۴۸)

۴- در خموشی بس حلاوت هاست از نی کن قیاس چون نوا در دل گره گردید شکر می شود

معنای لغات: حلاوت: شیرین گردیدن. نی: قصب؛ گیاهی آبی و دارای ساقه ی میان کاواک و راست. (فرهنگ دهخدا)

نوا: نغمه؛ سرود؛ مال و دارایی؛ نام مقامی از دوازده مقام موسیقی؛ روتق. (فرهنگ دهخدا)

شکر: عصاره ی شیرینی که از چغندر قند یا نیشکر گیرند. (فرهنگ معین)

شکر کنایه از سخن شیرین و با برخی از کلمات معنای خوش و دلنشین را می‌دهد، مانند: شکر خواب، شکر خند و شکر لب.

معنای روان بیت: در خاموش بودن بسیار شیرینی‌ها و لذت است و آن را از نی قیاس کن که وقتی از این شیء میان تهی آواز بیرون می‌شود؛ و در دل گره خورد و دل‌نشین می‌گردد.

تحلیل و توضیح بیت: در آداب و سنت‌های اسلامی، سکوت را فواید و ثبوت بسیار است (سجادی، ۱۳۸۳: ۳۳۸).

سیر و سلوک دارای ارکان، آداب و احوالی است. یکی از ارکان سلوک را صمیمیت و سکوت دانسته‌اند. در قرآن و احادیث همیشه سکوت به عنوان یک ارزش و یک نشانه‌ی والا مطرح گردیده است. در متون منظوم و منثور عرفانی نیز سکوت و خاموشی از شرایط خلوت و از ابزارهای رسیدن به کمالات عرفانی است و دارای فواید و نتایجی است؛ برخی از عرفا اصل طریقت را سلوک دانسته‌اند؛ از آنجا که خاموشی دارای انواع و گونه‌هایی است و درباره‌ی سکوت صوفیان نظریات و عقاید گوناگونی وجود دارد، به گونه‌ای که برخی خاموشی را ترجیح نهاده و برخی گفتار را (یلمه‌ها، ۱۳۹۱: ۴۳).

در قرآن کریم و روایات اسلامی به سکوت و خاموش تأکید و توصیه ویژه‌ای شده است. علت و غایت اصلی سکوت نیز بدین جهت است که شخص در حالت سکوت قدرت تفکر و تدبیری بیشتری پیدا کرده و در آثار صنع الهی تعمق و تأمل افزون‌تری داشته باشد و دیگر آنکه از گفتار لغو حذر نموده و به گفتن سخنان حکیمانه و عادلانه بپردازد. از این روست که ساعتی تفکر و اندیشه بهتر از هفتاد سال عبادت و اطاعت است. و خداوند متعال در سوره‌ی (احزاب: ۴۱) از چنین افرادی به اهل ذکر یاد می‌کند و می‌فرماید: ﴿وَذَكَرَ اللَّهُ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ (همان: ۴۴ - ۴۵). برای سکوت و خاموشی فواید زیادی را ذکر کرده‌اند و به همین منظور است که حضرت بیدل دو بیت پی‌هم چنین سروده است:

ای که از لطف حقیقت آگهی خاموش باش یک سخن هم کز دو لب خیزد مکرر می‌شود
در خاموشی بس حلاوت‌هاست از نی کن قیاس چون نوا در دل گره گردید شکر می‌شود
در احادیث و روایات اسلامی نیز سکوت و صمت همیشه به عنوان یک مفهوم ارزشی شناخته شده و آن را یکی از وادی‌های خودسازی و سلوک می‌دانند و برای آن فواید و نتایجی را قائل هستند:
۱. بهترین و برترین عبادت، صمت و خاموشی است. ۲. سکوت باعث تعمیق فکر می‌گردد. ۳. خاموشی دری از درهای حکمت است که باعث جذب محبت می‌شود. ۴. سکوت باعث استواری و باروری عقل و روشنایی اندیشه می‌شود. ۵. عدم قساوت و سنگ‌دلی به واسطه‌ی صمت و خاموشی است. ۶. سکوت باعث کسب خیرات و مبرات است. ۷. صمت باعث نجات از گناهان

است. ۸. سکوت باعث طرد شیطان است. ۹. سبک باری و آسایش در سکوت است. ۱۰. سکوت باعث ایجاد وقار و ادب است. ۱۱. سلامت از لغزش‌ها با سکوت امکان‌پذیر است. ۱۲. سکوت پوشاننده جاهل و زینت عالم است. ۱۳. خاموشی وسیله درک حلاوت و لذت عبادات است. ۱۴. سکوت موجب رضا خشنودی حق است (یلمه‌ها، ۱۳۹۱: ۴۵-۴۶).

۵ - هیچکس را در محبت شرم هم‌چشمی مباد در هوایت هر که گرید دیده‌ام

تر می‌شود

معنای لغات: محبت: دوستی، مهرورزی. در نزد عارفان نهایت محبت، غلیان دل در اشتیاق لقاء محبوب است که موجب محو مُحب می‌شود. عزالدین کاشانی می‌گوید: بدانکه جمله‌ی احوال عالیّه بر محبت است، هم‌چنانکه بنای جمیع مقامات شریفه بر توبت. و از آن جهت که محبت محض موهبت است، جمله احوال را که مبنی اند بر آن مواهب خوانند. و محبت میل باطن است به عالم جمال و آن بر دو گونه است: محبت عام، اعنی میل قلب به مطالعه‌ی جمال صفات و محبت خاص اعنی میل روح به مشاهده‌ی جمال ذات از شبلی پرسیدند که محبت چیست؟ گفت: همه وجود را محو گرداند و رنگ خود بخشد به شرط آنکه حالی مستقر گردد و زود منطفی نشود بر صفت بوارق و لوامع. و ابو عبدالله قرشی گفته است: حقیقت محبت رابطه‌ی است از روابط اتحاد که محب را بر محبوب بندد، و جذبه‌ای است از جذبات محبوب که محب را به خود کشد. و به قدر آنکه او را به خود می‌کشد از وجود او چیزی را محو می‌کند تا همه صفات او را از او اول قبض کند و آنگاه ذات او را به قبضه‌ی قدرت او از او بریاسد و به بدل آن ذاتی که شایستگی اتصاف به صفات خود دارد بدو بخشد؛ و بعد از آن صفات او داخل آن ذات بدل یافته شوند. و آنچه گفت علی البدل اشارت بدین معنی است، نگفت علی المحب. چه مادام تا محب موجود بود ذات او را شایستگی دخول صفات محبوب نباشد (سجادی، ۱۳۸۳: ۷۰۱ و ۷۰۷). هم‌چشمی: رقابت و برابری نمودن. (فرهنگ دهخدا)

معنای روان بیت: هیچ کس را در محبت نباید شرمسار کرد، زیرا هرکسی در حضور تو با گریه بماند، اشک هایم بیشتر می‌شود.

تحلیل و توضیح بیت: در این ابیات بیدل می‌خواهد در باره‌ی عشق و محبت حرف بزند. و می‌گوید که هیچ کس را نباید در عشق و محبت خجالت زده کرد. اگر شخصی در حضور عشق خود گریه کند، اشک‌های وی بیشتر می‌شود به این معنی که عشق و محبت او را به اندازه‌ی بیشتری تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، شاعر می‌خواهد بگوید که عشق و محبت قدرت زیادی دارد و آنقدر قوی است که می‌تواند احساسات و اشک‌های فرد را تقویت و بیشتر کند. در این بیت بیدل نشان می‌دهد که عشق و محبت باید بدون شرم و ترس از بروز احساسات نشان داده

شود. همچنین در حضور عزیزان، هر کسی که احساسات خود را نشان بدهد، به طور ناخودآگاه بیشتر به نظر خواهد رسید.

۶- عیب‌جو گر لاف بینش می‌زند آینه‌وار تیرباران زبان طعن جوهر می‌شود
معنی لغات: عیب‌جو: عیب جوینده؛ کسی که تفحص بدی‌ها و معایب دیگران را کند تا آشکار سازد. (فرهنگ دهخدا)

لاف: خودستایی به دروغ؛ به تازی صلف بود و به پارسی خویشن ستودن. (فرهنگ دهخدا)
ترکیب‌ها: تیرباران زبان: ترکیب تشبیهی زبان (حسی) به تیر باران (حسی) از جهت پرگویی و طعان بودن و شدت برندگی و تیزی آن.

معنی روان بیت: اگر عیب‌جو همیشه لاف بینش و دانایی می‌زند به سان آینه است که عیب و ضعف خود را به دیگران نشان می‌دهد و زبانی که در حال طعن دیگران است، مانند تیر باران آزار دهنده است.

توضیح و تحلیل: در شریعت اسلامی و از نظر عرفا عیب‌جویی و طعن و لعن کردن دیگران کاری ست ناسزا که برای عامل / انجام دهنده‌ی آن سزای بد در نظر گرفته شده است. الله متعال در سوره‌ی هُمَزَه آیه‌ی اول می‌فرماید: ﴿وَلِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٌ﴾ «هلاکت / سخت‌ترین عذاب باد برای کسانی که طعن‌کننده و عیب‌جوینده‌ی دیگران اند».

بیدل، با یک تمثیل زیبا و نیک کسی را که در جستجوی عیب دیگران است، آینه تشبیه کرده است که با هزاران لاف و تصلف با تمام نواقص و کمبودی‌هایش خود را در آن می‌بیند و زبان کسی را که در حال طعن و تهمت‌زدن دیگران است، مانند تیربارانی است که باعث رسوایی و آزار دیگران می‌گردد.

۷- گاو و خر از آگاهی انسان نخواهد گشت لیک آدمی گر اندکی غافل شود خر می‌شود

معنی روان بیت: گاو و خر از آگاهی و دانایی انسان نمی‌شوند، ولی آدمی اگر کمی غافل شود خر می‌شود.

توضیح بیت: گاو و خر که اسمی برای مسمی موجوداند، هر قدر که آگاهی و آشنایی داشته باشند و کسب کنند به اندازه‌ی انسان نمی‌رسند؛ اما اگر انسان اندکی از مسوولیت و خودی خودش غافل شود و عقل و فهم خود را از دست بدهد مانند گاو و خر (که در این جا نمادی برای کسی است که عقل و فهم کمی دارد) می‌شود.

در ابیات فوق بیدل می‌خواهد که اهمیت عقل و فهم را در رسیدن به موفقیت و پیشرفت اشاره کند. گاو و خر که نمادی برای کسانی اند که عقل و فهم کمی دارند، هر چقدر هم آگاهی و

آشنایی داشته باشد، هرگز به اندازه‌ی انسان نخواهد رسید. به عبارت دیگر، حتی اگر کسی بسیار آگاه و آشنا با مسائل باشد، اما قدرت تحلیل و فهم کافی نداشته باشد، همچنان نمی‌تواند به سطح عقلانیت و فهم انسان برسد. اما اگر انسانی حتی کمی غافل شود و عقل و فهم خود را از دست بدهد، مانند گاو و خر نادان می‌شود. یعنی اگر کسی در گذشته دارای عقل و فهم قوی بوده باشد، اما به دلائلی مانند غفلت یا از دست دادن تمرکز، عقل و فهم خود را از دست بدهد، به سادگی به سطح گاو و خر نادانی بر می‌گردد.

بنا براین، بیدل به ما یادآوری می‌کند که برای پیشرفت و موفقیت، لازم است همواره عقل و فهم خود را تقویت کنیم و از آن استفاده کنیم، هرچند که شوق و انگیزه نیز مهم است، اما بدون عقل و فهم کافی نمی‌توان به سمت و سوی موفقیت و کامیابی حرکت کرد.

۸- شوق می‌باید ز پا افتادگی‌ها هم عصاست
خضر راهی گر نباشد جاده رهبر
می‌شود

معنی لغات: شوق: آزمندی نفس و میل خاطر؛ آرزومندی؛ رغبت و اشتیاق و منتهای آرزوی نفس و میل خاطر. (فرهنگ دهخدا)

خضر: نام پیغمبری که صاحب موسی (علیه‌السلام) بود و نام اصلی آن را تالیا گفته اند و پارسیان «ایلیا یوهن» می‌گویند. (دهخدا)

راهی: راه + پسوند نسبتی (ی) به معنای راه‌رونده و هر چه منسوب به راه باشد؛ سالک؛ روانه‌ساختن. (فرهنگ دهخدا) بین واژگان عصا، خضر، راه و رهبر صنعت تناسب است.

معنی روان بیت: برای رسیدن به هدف و مقصد، شوق و انگیزه داشتن مانند عصاست که از پا افتادگی نجات می‌دهد، و اگر راهنما و خضری هم نباشد راه و جاده خودش برای آن شخص رهبر و راه‌نما می‌شود.

توضیح بیت: برای رسیدن به هدف، بدون رغبت و میل فراوان امکان پذیر نخواهد بود، آدمی باید هدف‌مند و با میل خاطر هدف خود را دنبال کند و در صورتی که با همه‌ی وجود خویش در تلاش برای رسیدن و دست یافتن به چیزی باشد، طبیعت، جهان و هرچه در آن است برایش همکاری می‌کند. و بیدل با تمثیل زیبایی عصای شخص را مثال داده است که کسی نا بینا است از طریق آن می‌تواند راه خود را پیدا کند. و یا اگر راهرو و سالکی هم در مسیر رسیدن به موفقیت برایش وجود نداشته باشد، خود راه همکار و رهنمای وی می‌شود؛ یعنی منتهای رسیدن به هدف و خواسته را در شوق و عشق داشتن به خواسته و هدف دانسته است.

یا می‌توان گفت: این بیت بیدل به کارآیی و اهمیت انگیزه در رسیدن به اهداف و پیشرفت اشاره می‌کند، شوق مانند عصا، می‌تواند در روزهای سخت و نا امید کننده به ما کمک کند. حتی اگر

تمام راه‌ها برای رسیدن به موفقیت برای مان بند باشد و راهی برای پیشروی وجود نداشته باشد، انگیزه و شوق می‌تواند به ما راهنمایی کند و به سمت هدف مان هدایت کند. بیدل می‌گوید که برای رسیدن به موفقیت و اهداف، لازم و بایسته است که شوق و انگیزه‌ای خود را حفظ کنیم و در هر شرایطی به هدف خود توجه و تکیه کنیم. گاهی اوقات ممکن است شکست بخوریم، پیشرفتی نداشته و به هدف رسیده نتوانیم؛ اما با شوق و انگیزه می‌توان به سمت هدف و خواسته‌ی خود در حرکت بود.

در اشعار بیدل از خضر (علیه‌السلام) به کثرت یاد شده است. جایی دیگر گفته است:

تا نفس باقی است باید با علایق ساختن خضر را هم الفت آب بقا زنجیر پاست
«هرگاه سخن از فرخنده گامی در میان می‌آید، سخنوران ما بی درنگ آن را به خضر نسبت می‌دهند و روایت او را پیش می‌کشند، تا آنجا که در گلزار جان نواز ادبیات پارسی، خضر جای خاصی یافته است. این خداوندان سخن، هرگاه به مناسبتی خواسته از رهبر خجسته‌یی و رهنمای خویش گام و کار گشای نیک فرجام یاد کنند، اشاره به خضر را زیب گفتار خود کرده اند و از آنجا که این روایات زیبا فراوان در نوشته‌های سخن‌پردازان آمده است. در همه نوشته‌ها خضر را در شمار پیغمبران آورده و از او به یک پیغمبر یاد کرده اند؛ ولی در هیچ یک از کتب آسمانی پیامبری بدین نام نیامده است. خضر، بیشتر با آب زندگی و اسکندر ذوالقرنین یاد گردیده است که خضر نام یکی از دانشمندان بوده که دانش غیبی داشت و برای یافتن آب زندگانی با اسکندر به ظلمات رفت، به چشمه‌ی آب زندگی دست یافت و در آن تن بشت و از آب آن خورد و زندگانی جاودانی یافت؛ اما اسکندر آن چشمه را نیافت. بیدل همه دل در مورد گوید:

آن جلوه‌ی غیب کاین تحیر آراست و آنکه چو زپیش چشم بـ_____خواست
گر گویم خضر ترک ادب است آنجا که حق است خضر و الیاس کجاست

روایت است که خداوند متعال موسی (علیه‌السلام) را به فراگیری دانش نزد خضر فرستاد، و هر دو را در مسافرت رفاقت افتید و داستان شان معروف است. خضر (علیه‌السلام) در نزد مسلمانان مقام بلندی داشته و در نزد عده‌یی از گروه‌های مسیحی خاور میانه شهرت دارد و در کلیساهای شرقی ایشان قام مقدسی داشته او را (خضر الیاس) می‌نامند».

(خاکسار، ۱۳۸۸: ۱۰۰-۱۰۳)

۹- باد کبر از سر برون کن ورنه مانند حباب عاقبت این باده سنگ کاسه‌ی سر می‌شود

معنی لغات: کبر: کوچک شمردن دیگران و بزرگ دانستن خود؛ غرور. (فرهنگ دهخدا)

حباب: سوار آب؛ قیک آب؛ غوزه‌ی آب که به شیشه ماند. (فرهنگ دهخدا)

از سر برون کردن: کنایه از رها کردن، دوری کردن و خود را نجات دادن.

باد: شراب؛ باد به معنی غرورآمده و هاء نسبت و تشبیه است به طرف آن. (فرهنگ دهخدا)
ترکیب ها: بادِ کبر: تشبیه ترکیبی بوده که کبر (مشبه عقلی) به باد (مشبه به حسی) تشبیه شده، یعنی از جهت ویران کننده بودن، ناآرام و نابود کننده بودن آن، کبر را به باد تشبیه کرده است.
معنی روان بیت: باد کبر را از سر بیرون کن. اگر این کار را نکردی این تکبر و خودخواهی ات مانند که حباب یا کف آب در برابر باد، به زمین سرنگون می شود تو هم نیز به خاطر خودپسندی ات سرنگون و سرافکنده می شوی.

تحلیل بیت: تواضع و انکساری در شریعت اسلامی و در نزد عرفا از اهمیت زیادی برخوردار است. در آیات و احادیث فراوانی این موضوع تذکر یافته و به اجتناب از تکبر و فخر فروشی امر شده است. خداوند (ج) می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا﴾ (النسا: ۳۶). ترجمه: «خداوند متعال کسی را که متکبر و فخر فروش است؛ دوست نمی دارد». (تفسیر احسن الکلام) و در مواردی زیای از قرآن کریم به این موضوع اشاره شده است که جهت دراز شدن بحث از ذکر آنها خود داری می کنیم.

تکبر و خود برترینی شکل های متفاوتی دارد که اینک به صورت کوتاه بیان می کنیم: «برخی از انسان ها به خاطر اندک علمی که دارند دچار تکبر میشوند، و دیگران را کوچک می شمارند، در برابر جواب دیگران و نصیحت های آنان او را به خشم می آورد، به تباهی افتاده و دانش او سودی برایش ندارد. بعضی دیگر از اصل و نسبی که دارد به بلای تکبر گرفتار می شود و به منزلت آبا و اجداد خویش می نازد و همه را در منزلتی پایین تر از خود دیده و در پی آن مستحق خواری و سرشکستگی از جانب پروردگار می شود. برخی نیز بعلت قدرت و مقام و نیرویی که دارند دچار تکبر و خودپسندی گشته و از این رو به آن رو شده و به ظلم و تجاوز به حقوق دیگران دست زده و نابودی و عقوبت شومی را برای خود رقم میزنند. عده ای را نیز ثروت و سامان فراوان از مسیر منحرف ساخته و با و لخرجی و اسراف بر دیگران برتری می جوید و بدین ترتیب نزد خداوند خطاکار بوده و مال و ثروتش سودی برای او نخواهد داشت.

پیامبر گرامی حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و سلم) ما را از تکبر و خودپسندی بر حذر داشته و به دوری از آن امر فرموده است تا آنکه از بهشت محروم نگردیم و می فرماید: «لا یدخل الجنة من كان في قلبه مثقال ذرة من كبر». [روایت مسلم و ترمذی]. یعنی: «آنکه در دلش به اندازه ی ذره ای تکبر باشد، به بهشت داخل نمی شود» (محمدی، ۱۳۹۴: ۵۰).

و با تأسی و تأثر از خوانش متون دینی و اندیشه های اسلامی، حضرت بیدل امر می کند که بادِ کبر را از سر خارج کن و به آن نزدیک نشو که در فرجام و عاقبت مانند حباب و کف روی آب تو را به هلاکت و سرنگونی می کشاند. بیت فوق به اهمیت فروتنی و عدم تکبر در زندگی اشاره می کند.

اگر انسان به خود بیش از حد افتخار و تکبر کند، مانند حبایی است که در هوا می‌پرد و در نهایت به سر می‌رسد و ناپدید می‌شود، به عبارت دیگر اگر انسان بیش از حد به خود افتخار کند در فرجام با شکست و نابودی مواجه خواهد شد و بنا براین بیدل به ما یادآوری می‌کند که باید فروتن باشیم و تکبر نکنیم تا از سرنوشت بد جلوگیری کنیم.

۱۰- تا گهر دارد صدف از شور دریا غافل است: آب در گوش کسی چون جا کند کر می‌شود
معنی لغات: گهر: مخفف گوهر و به تمام معانی آن است؛ مرواریدی است که به عربی لؤلؤ خوانند و مطابق جواهر را نیز گفته اند؛ سنگ قیمتی مثل الماس، لعل، مروارید و امثال این‌ها. (فرهنگ دهخدا)

صدف: غلاف مروارید؛ گاهی در تداول فارسی زبانان صدف گویند و حیوانی را که دارای صدف است اراده کنند و در داستان‌ها آرند که صدف در شهر نیشان بروی آب آید و دهان گشاید و قطره‌ای از باران به درون گیرد و از آن مروارید به وجود آید. (فرهنگ دهخدا). و اعتقاد عامه که در ادب فارسی منعکس شده این است که دانه‌ی باران در درون صدف که وسط دریا به سطح آب آمده و دهان باز کرده و می‌چکد و مروارید درون صدف پرورش می‌یابد. (همان)

معنی روان بیت: تا وقتی که گوهر در داخل صدف است از شور و غوغای دریا غافل می‌باشد و زمانی که آب به گوشه‌ی کسی برود گوش وی نا شنوا می‌گردد.

تحلیل و توضیح: این بیت با بیت قبلی که در مورد تکبر و خود پسندی و عواقب بد آن ارتباط قوی داشته، همان گونه که باد تکبر باعث نابودی و هلاکت می‌شود برای بهتر واضح ساختن آن و ذهن نشین شدن برای مخاطب، بیدل با وضاحت و تمثیل بسیار عالی گفته است که تا وقتی گوهر در داخل صدف است، از غوغای دریا و حرکت جهنده‌ی آن آرام است ولی وقتی از پرده بیرون شد آب دریا وی را می‌برد و از آرامش رهایی می‌یابد. انسان که تواضع و انکساری دارد و سر دلبران را در زبان دیگران می‌یابد وی پیروز شده است و در آرامش است و اگر باد تکبر را رها نکردی طبعاً باعث هلاکت و نابودی‌ات می‌شود؛ چنانچه داخل شدن آب به گوش باعث ناشنوا شدن می‌گردد. یا می‌توان گفت: تا زمانی که صدف درون خود گهر (مروارید) دارد، از شور و درد دریا غافل است و آن را نمی‌تواند حس کند، همچنین، آبی که در گوشه‌ی کسی جا کند به نا شنوایی فرد منجر می‌شود. بیدل در این بیت نشان می‌دهد که اگر انسان فروتن و بی تکبر باشد، می‌تواند از درد و شور دنیا و مشکلات آن غافل شود و به خوشبختی دست پیدا کند.

۱۱- سجده‌ی سنگین دلان آینه‌ی نامحرمی است میل آهن گر دوتا شد حلقه در

می‌شود

معنی لغات: سجده: سر بر زمین نهادن. میل: با فتح میم به معنی کجی و خم؛ کج گردیدن؛ میلان کردن؛ برگردیدن (فرهنگ دهخدا).

سجده سنگین دلان: سجده و عبادتی افرادی که سنگین دل اند و رنگ خدایی ندارند.

آئینه: نماد یا نشان پاکی و صفایی. نا محرمی: بیگانه بودن.

سنگین دل: اضافه تشبیهی مقلوب است. که از جهت نا آشنا بودن و بی مهر بودن دل به سنگ تشبیه شده است.

معنی روان بیت: سجده افراد سنگ دل و کسانی که با عبادت الهی و حقانیت وی بیگانه اند، مانند خم و کج شدن آهن است که برای دروازه حلقه یا دست گیر می شود. بین آهن، در و حلقه تناسب است.

تحلیل و توضیح بیت: چقدر بیدل به زیبایی کسانی را که بی حضور قلب در نماز ایستاده و سر بر سجده می ساینند و آن را به تصویر کشانیده است که سجده سنگین دلان و عبادت افرادی که دل های شان رنگ خدایی ندارد و پر از تعقات و وابستگی ها اند و این نشانگر یا نماد از بیگانه بودن شان با خداوند است. یعنی آن های که ظاهر را توجه دارند و در باطن و حقیقت توجهی ندارند و کار و عبادت شان دور از فهم و روح است، و پست و بلند یا خم شدن شان برای سجده و عبادت از روی نا آشنایی با پروردگار است. یعنی در واقع این کارشان که از روی بی اخلاصی و نا آگاهی است برای شان فایده ندارد.

این بیت برای ما نشان می دهد که وقتی دل های سنگین و پر از تکبر را به سجده آورده، آئینه نا پاک و محرمانه روح وجود ماست. وقتی با فروتنی و تسلیم خودمان را به خداوند نشان می دهیم، روح ما پاک و محرمانه است و از تکبر و غرور دور می شود. یعنی فروتنی و تسلیم در برابر خداوند راهی است برای پاک شدن و رسیدن به روحانیت.

۱۲- عجز نومید از طواف کعبه مقصود نیست لغزش پای ضعیفان دست دیگر می شود

معنی لغات: عجز: نا توانی. کعبه مقصود: ترکیب تشبیهی، مقصد و هدف را به کعبه مانند کرده است.

معنی روان بیت: عدم توانایی و ناامیدی جهت رسیدن به کعبه هدف نیست، بلکه نرسیدن به طواف کعبه باید باعث دست یافتن به راهی دیگر شود. و کعبه در این بیت، نماد آرزوها و مقصود است.

تحلیل و توضیح بیت: این بیت بیدل به معنی آن است که عدم توانایی و نا امیدی از انجام طواف در گرد و اطراف کعبه هدف نیست، بلکه سبب لغزش و ناپایداری افراد ضعیف و ناتوان

می‌شود. در واقع این شعر بیان می‌کند که اگر فردی نتواند تمام تلاش خود را برای انجام وظیفه‌ای مانند طواف کعبه انجام دهد، نباید ناامید شود و به جای آن باید تلاش کند تا قوی‌تر شود و بتواند بهترین عملکرد را از خود نشان بدهد.

در دین مقدس اسلام نیز به امیدوار بودن و تلاش کردن در جاهای زیادی امر شده است که از رحمت الهی ناامید نشوید و نیز برای دست یافتن به هدف و کسب بهتر امرار معیشت و زندگی امر شده است حتی گفته شده است که بعد از ختم نماز محنت و کوشش کنید.

۱۳- در عدم هم دور حسرت‌های ما موقوف نیست خاک مستان رنگ تا گرداند ساغر می‌شود

معنی و تحلیل بیت

در غیاب و دوری هم حسرت‌های ما متوقف نمی‌شود و همچنین خاکی که از قبر مستان بر می‌آید ساغر را به رنگ می‌آورد و آن را مست می‌کند. یعنی در این بیت، بیدل به تلخی و غم از دست دادن عزیزان و عدم توانایی در رسیدن به آرزوها اشاره می‌کند

۱۴- غیر عزلت نیست بیدل باعث افواه خلق مرغ شهرت را خم این دام شهپر می‌شود

معنی لغات

عُزلت: گوشه‌گیری، کناره‌گیری از خلق. مشایخ طریقت، عزلت و خلوت و انقطاع و انزوا را از آن جهت اختیار کرده‌اند تا حواس ظاهر بسته شود و از اعمال خود معزول گردند. زیرا هر حجابی که به روح انسانی رسد او را از مشاهدۀ جمال مولی‌محبوب گرداند (سجادی، ۱۳۸۳: ۵۷۹).
افواه: دهان‌ها. (فرهنگ دهخدا) دام: تله؛ چیزی که جانوران فریب خورده بدان دچار شوند. (فرهنگ دهخدا) شهر شدن: پر ریختن؛ شهر برگردن (همان).

معنی روان بیت: برای اینکه از شهرت یافتن در زبان مردم نجات پیدا کنی، هیچ چیز بدون عزلت و گوشه‌نشینی نیست، ولی مرغ که مشهور است، همیشه بدام می‌افتد و دستگیر می‌شود.

تحلیل و توضیح بیت: در مسلک عرفانی، برای این که حواس ظاهری سالک بسته شود و تمام حجاب و موانعی که باعث دوری از حق می‌شود برداشته شود، عُزلت و گوشه‌نشینی را اختیار می‌نمایند. بیدل می‌خواهد بیان کند تنها راه که باعث می‌شود آدمی از شهرت و آوازه یافتن در دهان مردم خود را نجات بدهد و به دام مردم نیافتد، همانا عزلت و گوشه‌گیری است و چنانچه برای مرغی که مشهور است مردم از هر سو برای به دام افتادن و گرفتاری وی تلاش می‌کنند و بالاخره به هلاکت می‌رسد.

یافته‌های کلی: در غزلی بیدل که به مطلع «دل چو آزاد از تعلق شد منور می‌شود / قطره‌ی کز موج دامن چید گوهر می‌شود» به مفاهیم ذیل دست یافتیم.

۱. مفاهیم عرفانی و انسانی: تحلیل غزل بیدل نشان می‌دهد که او به طور مکرر به مفاهیم عمیق عرفانی و انسانی مانند عشق، رهایی و خودشناسی پرداخته است. و این مفاهیم در قالب نمادها و تمثیل‌ها به تصویر کشیده شده‌اند.
۲. نقش تعلقات و رهایی: بررسی و شرح ابیات نشان می‌دهد که بیدل بر اهمیت رهایی از تعلقات دنیوی تأکید دارد. او به خوانندگان یادآوری می‌کند که برای دستیابی به سلوک عرفانی، باید از قید و بندهای مادی رها شوند.
۳. خاموشی و عزلت: خاموشی و عزلت به عنوان ابزارهای سلوک عرفانی در اشعار بیدل به کار رفته‌اند. این دو مفهوم به عنوان راه‌هایی برای رسیدن به خودشناسی و کمال معنوی معرفی می‌شوند.
۴. تأثیر تمثیل‌ها: استفاده از تمثیل‌ها و نمادهای ادبی در شعر بیدل، به درک بهتر مفاهیم کمک می‌کند. این تمثیل‌ها باعث می‌شوند که خوانندگان به سادگی با احساسات و تجربیات عمیق‌تری ارتباط برقرار کرده و مفهوم را فرا بگیرند.
۵. آموزش‌های عملی: نتایج شرح این غزل نشان می‌دهند که آموزه‌های بیدل می‌توانند در زندگی معاصر به کار گرفته شوند. این آموزه‌ها به خوانندگان کمک می‌کنند تا در مواجهه با چالش‌های روزمره، به درک بهتری از خود و جهان پیرامون شان دست یابند. در مجموع، این یافته‌ها به درک بهتر از شعر بیدل و تأثیر آن بر ادبیات عرفانی و فلسفی فارسی کمک می‌کنند و زمینه‌ساز پژوهش‌های آینده در این حوزه خواهند بود.

نتیجه‌گیری

در فرجام پژوهشی کنونی روی شرح غزل شماره (۱۵۵۳) بیدل صورت گرفت- به این نتیجه فشرده دست یافتیم که: بیدل شاعر بزرگ و عارف وارسته‌ی ادبیات فارسی در این غزل با استفاده از تمثیل‌ها و نمادهای ادبی-عرفانی، مفاهیمی چون: تعلقات، رهایی، خاموشی و عشق را با ظرافت‌های ویژه‌ای ادبی به تصویر کشیده است. در اشعار بیدل، مفاهیم عرفانی نظیر: رهایی از تعلقات و عشق به حقیقت به وضوح دیده می‌شود. او تأکید دارد که دل انسان با رهایی از وابستگی‌ها، نورانی می‌شود و این رهایی، شرط سلوک عرفانی است. وی به وضوح بیان می‌کند که تعلقات دنیوی مانع سیر و سلوک به سوی حق هستند و رهایی از آن‌ها موجب رسیدن به حقیقت و نورانیت دل می‌شود. خاموشی و عزلت به عنوان ابزارهای سلوک عرفانی در غزل‌های بیدل مطرح می‌شوند و او بر این باور است که در سکوت، حلاوت و لذت‌های عمیق نهفته است. و همچنان تمثیل‌ها و نمادهای بیدل نه تنها درک مفاهیم عمیق انسانی را تسهیل می‌کنند، بلکه ابزاری برای انتقال آموزه‌های عرفانی او هستند. در کنار مفاهیم یاد شده، بیدل به مذمومیت و ناپایدار بودن تکبر و خودخواهی در قالب تمثیل با حجاب پرداخته و آن‌ها را به عنوان موانع اصلی در مسیر سلوک و عرفان معرفی می‌کند. آموزه‌های بیدل می‌توانند در زندگی معاصر به کار گرفته شوند، به ویژه در زمینه‌های اخلاقی و عرفانی. در فرجام، اشعار بیدل نه تنها غنی از معانی عرفانی و انسانی هستند، بلکه به ما یاد می‌دهند که رهایی از تعلقات، خاموشی و عشق به حقیقت، کلیدهای سلوک به سوی کمال و نورانیت دل هستند. این آموزه‌ها می‌توانند به عنوان راهنمایی برای زندگی بهتر و معنوی‌تر در دنیای معاصر مورد استفاده قرار گیرند.

منابع

قرآن کریم

- انوری، حسن. (۱۳۸۳). فرهنگ کنایات سخن. تهران: سخن.
- انوری، حسن. (۱۳۸۲). فرهنگ بزرگ سخن. ج ۳ و ج ۶. چاپ دوم، تهران: سخن
- بیدل، عبدالقادر. (۱۳۸۷). غزلیات میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی بر اساس نسخه مصحح خال محمد خسته و خلیل الله خلیلی، تهران: زوار.
- تفسیر احسن الکلام، نرم افزار.
- جامع الحدیث، نرم افزار.
- حسینی، حسن. (۱۳۶۸). بیدل، سپهری و سبک هندی. چاپ دوم، تهران: سروش.
- حسینی فطرت، سید محمد. (۱۳۹۳). جهان بیدل. چاپ نخست، تهران: عرفان.
- خاکسار، عبدالحکیم. (۱۳۸۸). صنعت تلمیح در اشعار بیدل. چاپ دوم، کابل: سعید.
- سجادی، سید جعفر. (۱۳۸۳). فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی. چاپ هفتم، تهران: طهوری.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۷۱). شاعر آینه‌ها. چاپ سوم، تهران: آگاه.
- الظفر، سید احسن. (۱۳۹۸). زندگی و کارنامه میرزا عبدالقادر بیدل. مترجم دکتر حمید هامی. چاپ اول، کابل: امیری.
- فرهنگ دهخدا، نرم افزار.
- فرهنگ معین، نرم افزار.
- قویم، عبدالقیوم. (۱۴۰۰). بیدل شناسی. چاپ اول، کابل: امیری.
- مجددی، غلام حسن. (۱۳۹۲). بیدل شناسی. چاپ دوم، کابل: امیری.
- محمدی، مسعود. (۱۳۹۴). اخلاق اسلامی. نشر اول (دیجیتال)، کتابخانه عقیده.
- موسویان، سید عباس. (۱۳۸۳). "ارزیابی سپرده های بانکی و پیشنهاد سپرده های جدید". مجله اقتصاد اسلامی، جلد ۷، شماره ۱۵، ص ۱۲.
- هادی، نبی. (۱۳۷۶). عبدالقادر بیدل (زندگی، نقد و بررسی و گزیده آثار). ترجمه دکتر توفیق سبحانی. تهران: قطره.
- یلمه‌ها، احمد رضا. (۱۳۹۱). «صمت و خاموشی از دیدگاه عرفا». فصلنامه تخصصی عرفان اسلامی، سال هشتم، شماره ۳۲، صفحات ۴۳-۶۲، تابستان ۱۳۹۱. ISSN/ Iranian
- Scientific Document Identifier: JR-IAUZ-8-32-002.